

مقایسه تاریخ‌نگاری الارشاد شیخ مفید با اعلام الوری طبرسی

نازنین فاطمه جلوخانی

کارشناسی ارشد تاریخ تشیع دانشگاه خوارزمی تهران

معصومه اسدی

کارشناسی ارشد تاریخ تشیع دانشگاه خوارزمی تهران

چکیده :

شیخ مفید در اوایل قرن پنجم کتاب الارشاد و شیخ طبرسی در قرن ششم کتاب اعلام الوری را در مورد زندگانی معصومین (ع) نگاشتند. آنها برای اثبات گزاره‌های کلامی از گزاره‌های تاریخی استفاده کرده‌اند، شیخ مفید به اثبات امامت امامان (ع) و به طور ویژه اثبات امامت امام علی (ع) پرداخته است. شیخ طبرسی هم با همین نگاه به تاریخ‌نگاری پرداخته با این تفاوت که ایشان زندگی پیامبر (ص) و سیره ایشان را به صورت جداگانه بررسی کرده است. هدف طبرسی نزدیک ساختن شیعیان و اهل سنت به یکدیگر و رفع اختلافات و خنثی کردن دشمنی میان آنها می باشد، لذا نظریه تقریب مذاهب الگویی مناسب برای رسیدن به مقاصدش بوده است. شیخ طبرسی از روش ترکیبی برای تاریخ‌نگاری بهره برده و شیخ مفید در قالب نگاه کلامی خویش به علل رویدادهای تاریخی با نگاه تحلیلی پرداخته است. این پژوهش ماهیت توصیفی و تحلیلی دارد و به روش کتابخانه ای گردآوری شده است. با توجه به اینکه تا کنون به مقایسه دیدگاه تاریخی شیخ مفید و طبرسی در الارشاد و اعلام الوری پرداخته نشده است، این پژوهش می‌تواند مطالب جدیدی را ارائه دهد.

واژگان کلیدی: شیخ مفید، شیخ طبرسی، الارشاد، اعلام الوری، تاریخ‌نگاری شیعه.

مقدمه :

شیعیان تا قبل از قرن چهارم هجری در اقلیت بودند، ولی در اواسط قرن چهارم با روی کار آمدن دولت آل بویه آزادی بیشتری بدست آوردند. شیخ مفید برای دفاع از حقانیت امامان (ع)، کتاب الارشاد را با محوریت زندگانی دوازده امام (ع) نگاشت. با گذشت زمان و زوال دولت آل بویه و قدرت گیری سلجوقیان، شیعیان در تنگنای بیشتری قرار گرفتند و با توجه به اختلافاتی که بین شیعه و سنی ایجاد شده بود، شیخ طبرسی با هدف نزدیک ساختن شیعیان و اهل سنت به یکدیگر کتاب اعلام الوری را در مورد زندگانی معصومین (ع) نگاشت. موضوع پژوهش حاضر، مقایسه تاریخ‌نگاری الارشاد شیخ مفید و اعلام الوری طبرسی است. هدف از انتخاب این موضوع، نمایان ساختن اهمیت بررسی تاریخ‌نگاری شیخ مفید و طبرسی است که به این موضوع توجه چندانی نشده و جای این مبحث مهم در فهرست پژوهش‌ها خالی است.

بیان مساله تحقیق :

هر چند با تلاش فراوان پژوهشگران مسلمان، تاریخ‌نگاری بخش عظیمی از فرهنگ مکتوب مسلمانان را به خود اختصاص داده است ولی فاصله میان مورخ و نقل و ثبت پدیده‌های تاریخی، اختلاف امت، پیدایش فرقه‌های مختلف با گرایش‌های متفاوت سبب شده که بعضی از واقعیت‌های تاریخ اسلام در ارتباط ائمه (ع) در حاله‌ای از ابهام قرار گیرد و این رویه تا اوایل قرن ۵ قمری که شیخ مفید در الارشاد و در قرن ۶ قمری علامه طبرسی در اعلام الوری به زندگانی معصومان (ع) پرداخته‌اند و آثاری را تألیف نمودند و در این مقاله مباحثی پیرامون شخصیت و آثار این دو فقیه مورد بررسی قرار گرفته است.

ضرورت تحقیق:

در مورد الارشاد شیخ مفید و اعلام الوری طبرسی تحقیقات زیادی انجام شده، اما به نظر می‌رسد پرداختن به اندیشه‌های تاریخی شیخ مفید و طبرسی و مقایسه آنها به گونه‌ای که در این پژوهش آمده، کمتر مورد توجه قرار گرفته است و همین ضرورت و اهمیتی که در این فقدان احساس می‌شود ما را بر آن داشت تا به این پژوهش روی آوریم.

اهداف و پرسش‌های تحقیق:

اهداف: هدف از این پژوهش مقایسه تاریخ‌نگاری (الارشاد شیخ مفید و اعلام الوری طبرسی) با توجه به ابعاد سیاسی، اجتماعی دوران حیات آنهاست و اینکه آنها از چه روشی برای تاریخ‌نگاری استفاده کرده‌اند و علاوه بر آن، بیان و بررسی برخی از مطالب تاریخی که مورد اختلاف نظر شیخ مفید و طبرسی و دیگر علما می‌باشد، از اهداف این پژوهش است. سوالات اصلی: ۱. چه تفاوتها و شباهتهایی میان تاریخ‌نگاری الارشاد شیخ مفید و اعلام الوری طبرسی وجود دارد؟ ۲. روش تاریخ‌نگاری طبرسی در اعلام الوری و شیخ مفید در الارشاد چگونه است؟ سوالات فرعی: ۱. انگیزه شیخ مفید و طبرسی از طرح مباحث تاریخی چیست؟ ۲. اساس مباحث تاریخی شیخ مفید و طبرسی را چه موضوعاتی تشکیل می‌دهد؟ ۳. شیخ مفید و طبرسی بیشتر از چه منابعی استفاده کرده‌اند؟

نظریه پشتیبان و فرضیات تحقیق:

فرضیات اصلی: ۱. شیخ مفید در الارشاد و طبرسی در اعلام الوری در واقع با انگیزه‌های کلامی به اثبات امامان شیعه پرداخته‌اند با این تفاوت که طبرسی مسائل تاریخی را به صورتی بیان می‌کند که مورد پذیرش معتقدان و منتقدان قرار بگیرد و از کتابهایی استفاده می‌کند که اصل آنها اکنون در اختیار ما نیست و این موضوع به اهمیت کار او افزوده است. شیخ مفید به ذکر منابع پرداخته ولی طبرسی نامی از منابعی که در کتاب خود مورد استفاده قرار داده، به میان نیاورده است. ۲. شیخ مفید با استفاده از روشهای عقلی و نقلی به اثبات گزارشات تاریخی پرداخته است اما شیخ طبرسی مسائل تاریخی را از منظر کلامی مورد بررسی قرار داده این دیدگاه کلامی را می‌توان در مواردی مشاهده کرد که او به ذکر ادله امامت بعد از بیان احوال شخصی می‌پردازد. فرضیات فرعی: ۱. انگیزه و اساس کار شیخ مفید در آثارش دفاع از امامت و حقانیت امامان (ع) بوده شیخ طبرسی هم همین نگاه را داشته اما با توجه به دوره‌ای (سلجوقیان) که در آن زندگی می‌کرده، نگرش اعتدال‌گرایان را برای مسائل عقیدتی برگزیده است. ۲. اساس مباحث تاریخی شیخ مفید، درباره رسول خدا (ص) و تاریخچه زندگی امامان معصوم (ع) به همراه بحث امامت مطرح شده است. طبرسی نیز در کتابش همین موارد را بیان کرده و از کتاب الارشاد شیخ مفید استفاده کرده است، با این تفاوت که طبرسی کمتر به مسائلی که باعث اختلاف شیعه و سنی می‌شود می‌پردازد و نقل روایات از مخالفان را هم به میان می‌آورد. ۳. منابع مورد استفاده شیخ مفید و طبرسی بیشتر از منابع اهل تسنن است.

پیشینه تحقیق:

زوایای مختلف اندیشه و تفکر شیخ مفید و طبرسی همواره از دیدگاههای متفاوت مورد تبیین و بررسی قرار گرفته و آموزه‌های فکریشان در نوشته‌های گوناگون بیان شده است. راضیه فاطمه در پایان‌نامه‌ای با عنوان بررسی مقایسه‌ای اندیشه‌های سیاسی شیخ مفید و علامه حلی به اندیشه‌های سیاسی این دو اندیشمند پرداخته است. نعمت الله صفری در مقاله‌ای به نام شیخ مفید و تاریخ‌نگاری او در کتاب الارشاد و همین طور قاسم خانبانی در کتاب شیخ مفید و تاریخ‌نگاری به زوایای گوناگون تاریخ‌نگاری شیخ مفید پرداخته‌اند. باقر قربانی زرین مقاله‌ای به نام تبیین رویکرد طبرسی در تفسیر جوامع الجامع نگاشته است. در آثار نام برده، نکاتی در باب تاریخ‌نگاری شیخ مفید بیان شده ولیکن به تاریخ‌نگاری طبرسی پرداخته نشده و همینطور مقایسه تاریخ‌نگاری الارشاد و اعلام الوری مورد بررسی قرار نگرفته که ما در این مقاله به این موارد می‌پردازیم.

روش تحقیق:

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی می‌باشد که به صورت کتابخانه‌ای انجام شده و در کنار این روش از کتاب‌های جدید و مقالات اینترنتی نیز بهره برده ایم، که در قسمت منابع به تمام آنها اشاره شده است.

بررسی منابع:

در این بخش به بررسی چند منبع دست اول که در پژوهش حاضر به طور پیوسته مورد استفاده قرار گرفته، می‌پردازیم. رجال النجاشی: احمد بن علی ابوالعباس نجاشی در ماه صفر سال ۳۷۲ ق در شهر کوفه دیده به جهان گشود و در خانواده‌ای اصیل و بزرگوار تربیت شد نسب وی به عدنان جد بیستم رسول خدا (ص) می‌رسد و در نتیجه از اعراب اصیل و حجازیون به شمار می‌آید، یکی از اجداد معروف وی عبدالله بن نجاشی است که خود نجاشی (ابوالعباس) به خاطر معروفیت او، به نجاشی ملقب و مشهور شده است، ابوالعباس نجاشی به خاطر شرایط خاصی که او در او جمع شده بود یکی از بهترین



متخصصان فن رجال شد برای اینکه خود از خاندان عرب و عرب شناس ماهر و کم نظیری بود و اساتید وی از مجتهدین فن رجال بودند و اینکه او فقط همین یک رشته را انتخاب کرد و سراسر عمر پربرکتش را وقف این علم نمود نجاشی در ماه جمادی الاولی سال ۴۵۰ ق در مطرآباد سامرا دیده از جهان فرو بست. کتاب رجال النجاشی یا به عبارت دیگر فهرست اسماء مصنفی الشیعه از آثار نجاشی در دو جزء تألیف شده و دارای اسامی ۱۲۶۹ نفر می‌باشد که همگی آنان جز چند نفری، شیعه امامی هستند و هر کدام صاحب تألیف و کتاب بوده‌اند. رجال نجاشی به جز در چند مورد، طبق تربیت حروف معجم تنظیم شده ولی حروف دوم و سوم و ... و اسامی پدران، طبق ترتیب حروف نیست. لذا بعدها برخی از علما آن را طبق حروف الفبا، منظم و مرتب نمودند. کتاب مذکور قریب هزار سال است که بهترین مرجع و منبع شناخت تألیفات راویان و محدثان جهان تشیع و جرح و تعدیل آنان بشمار می‌رود. **الفهرست طوسی:** جعفر بن محمد بن محمد طوسی مشهور به شیخ طوسی و شیخ الطائفة در رمضان ۳۸۵ هـ ق در طوس یکی از شهرهای مهم خراسان متولد شد، کنیه او ابوجعفر است. وی در ۴۰۸ ق در ۲۳ سالگی به عراق رفت و از محضر اساتیدی چون شیخ مفید و حسین بن عبیدالله غضائری و ابن حاشر بزار بهره برد، خلیفه عباسی، کرسی تدریس کلام بغداد را به او سپرد. هنگامی که کتابخانه شاپور در آتش سوخت به ناچار به نجف رفت، شیخ طوسی ۱۲ سال آخر عمرش را در نجف گذراند و در شب دوشنبه ۲۲ محرم ۴۶۰ ق درگذشت. **الفهرست** یکی از منابع چهارگانه رجال شیعه و یکی از سه اثر رجالی شیخ طوسی است. شیخ در این اثر از فهرست ابن ندیم، فهرست احمد بن عبدون و فهرست ابن ولید استفاده کرده است. فهرست شیخ، ترکیبی از کتابنامه و زندگینامه است. عناوین این کتاب براساس حروف الفبا و نام صاحبان اثر تنظیم شده است. شیخ طوسی در ذیل هر عنوان اگر اطلاعاتی درباره نام، نسب، کنیه، القاب و محل سکونت صاحب اصل یا کتاب او موجود بوده است ارائه کرده، سپس به شخصیت علمی و نیز آثار او پرداخته است. **روضات الجناب خوانساری:** سید محمد باقر خوانساری در ۲۲ ماه صفر سال ۱۲۲۶ ق در شهر خوانسار به دنیا آمد. نسب سید محمد باقر خوانساری به خاندان روضاتی می‌رسد ایشان تحصیلات خود را در خوانسار نزد جدش جعفر بن حسین خوانساری آغاز کرد و در اصفهان از محضر محمد باقر شفقته و در کربلا از سید ابراهیم موسوی قزوینی کسب دانش کرد و از برخی بزرگان اجازه روایت و اجتهاد گرفت، سید محمد باقر در نهم جمادی الاول سال ۱۳۱۳ ق بر اثر بیماری درگذشت مهم‌ترین کتاب وی روضات الجنات است که در مورد شرح حال بزرگان و سادات به ویژه علمای شیعه سخن گفته است این کتاب شامل معرفی علما، فلاسفه، عرفا، ادبای گذشته تا زمان نویسنده و هم مشاهیر و اعلام در هر صنفی بوده و ترتیب آن بر حسب حروف الفبا در حرف اول و دوم نام افراد است. و اینکه این اثر مورد توجه دانشمندان علم رجال و شرح حال نویسان قرار گرفته و آن را بازگو و نقد و تحسین کرده‌اند. **لذریعه آقا بزرگ تهرانی:** محمد حسن بن علی منزوی تهرانی معروف به آقا بزرگ تهرانی در ۱۱ ربیع الاول ۱۲۹۳ ق در تهران به دنیا آمد، پدر و پدربزرگش از روحانیون این شهر بودند آقا بزرگ در سال ۱۳۱۵ ق برای ادامه تحصیل به نجف رفت و نزد حاج میرزا حسین نوری، شیخ محمد طه نجف، سید مرتضی کشمیری به کسب دانش پرداخت، او در سال ۱۳۲۹ ق به سامرا رفت و در درس آیه الله محمد تقی شیرازی معروف به میرازی شیرازی دوم شرکت کرد، آقا بزرگ در سال ۱۳۵۵ به نجف بازگشت وی در سال ۱۳ ذی الحجه ۱۳۸۹ ق در نجف درگذشت. مهم‌ترین اثر او **الذریعه** کتابشناسی عظیمی درباره آثار شیعه است و نیز شمار اندکی از آثار مؤلفان اهل سنت که درباره شیعه کتاب نوشته‌اند. این اثر به معرفی ۵۳ هزار و ۵۱۰ کتاب تألیفی، تصنیفی و ترجمه شده به زبان‌های فارسی، عربی، ترکی، اردو و گجراتی در موضوع‌های گوناگون می‌پردازد، این مجموعه براساس حروف الفبا ترتیب یافته و کتاب‌های شیعه در فاصله زمانی قرن اول تا ۱۳۷۰ ق (چهارده قرن) در آن گردآمده است.



شیخ مفید:

محمد بن محمد بن نعمان حارثی عکبری بغدادی مشهور به شیخ مفید و ابن المعلم، سرآمد متکلمان شیعی در قرن چهارم و اوایل قرن پنجم است. قرن چهارم هجری را بدون شک باید طلایی‌ترین دوران تمدن اسلامی به شمار آورد. روزگاری که با اوج اقتدار سیاسی، اقتصادی، علمی و فنی و هنری مسلمانان همراه بود و شاید از همین روست که برخی آن را دوره رنسانس اسلامی نام نهاده‌اند و شیخ مفید بیشتر زندگانی خویش را در این دوران و در بغداد سپری کرده است (متز، ۱۳۷۷: ۸). وی در سال ۳۳۶ ق یا ۳۳۸ ق در نواحی عکبری شهری بر کرانه شرقی دجله در میان راه بغداد و موصل دیده به جهان گشود و کنیه‌اش ابوعبدالله بود (مفید، ۱۳۹۵: ۱۴). نجاشی نسب شیخ مفید را با ۳۳ واسطه به یعقوب بن قحطان می‌رساند (نجاشی، ۱۴۱۸: ۳۹۹). برخی بر این نظر هستند که جد پنجم شیخ مفید به «سعید بن جبیر» می‌رسد که از شاگردان امام سجاد (ع) بوده است. وی نخستین کسی است که در «علم تفسیر» کتاب نگاشته و در سال ۹۵ ق به دست حجاج بن یوسف ثقفی به قتل رسیده است در حالی که این نظریه به نظر می‌رسد نادرست باشد زیرا سعید بن جبیر از موالی بنی اسد بوده عرب اصیل نبوده و اینکه جد سعید تابعی هشام است در حالیکه جد سعید واقع در نسب شیخ مفید وهیب است و دلایل دیگر شیخ مفید را حارثی گفته‌اند چون در سلسله نسب او «حارث بن مالک»، و «حارث بن کعب» وجود دارند (نجاشی، ۱۴۱۸: ۳۹۹). و به اعتبار محل ولادت و زندگی او در بغداد، عکبری و بغدادی گفته‌اند، البته مهم‌ترین لقب او مفید است (تنکابنی، بی تا: ۲۵۴). اما ابن شهر آشوب در کتاب معالم العلماء این لقب را به اشاره حضرت ولی عصر (عج) می‌داند که البته دلایل آن را به کتاب دیگرش مناقب آل ابی طالب ارجاع داده است اما در مناقب موجود، در این باره چیزی یافت نشد و شاید منظور او چیزی است که در توقیع امام زمان (عج) آمده ولی این توقیعات مربوط به سالهای پایانی زندگی شیخ مفید می‌باشد، در حالی که شیخ در ایام جوانی هم به این لقب شهرت داشته است (دوانی، ۱۳۶۳: ۲۶۲). اما محمد باقر مجلسی درباره وی می‌گوید: او همان کسی است که از ناحیه مقدسه حضرت حجه بن الحسن العسکری به نام‌ها و توقیعاتی مفتخر شده است (مجلسی، بی تا: ۳۱/۱). در مقدمه بحارالانوار، مجلسی ۵۹ نفر از استادان شیخ مفید را نام می‌برد و در امالی شیخ مفید این تعداد به ۶۰ نفر رسیده که ممکن است شمار ایشان بیش از این بوده باشد. شاگردان بسیاری در مکتب شیخ تربیت یافته‌اند که متأسفانه اسامی ۱۶ نفر آنها در مقدمه بحارالانوار آمده و از بقیه اطلاع درستی نداریم (مفید، ۱۴۱۳: ۷ و نجاشی، ۱۴۱۸: ۳۹۸) و از شاگردان مشهور او می‌توان شیخ طوسی، ابوالفتح کراچی، محمد بن حسن مشهور به قاضی علی بن محسن تنوخی را نام برد. سید مرتضی ۱۲۳ اثر دارد که الشافی در امامت که نقد کتاب المغنی قاضی عبدالجبار است، الذریعه در اصول فقه شیعه، الانتصار در فقه تطبیقی از جمله آثار اوست (صابری، ۱۳۹۳: ۲۷۲-۲۶۸). درباره فرزندان شیخ مفید باید گفت ظاهراً وی دو فرزند داشته یک فرزند او پسری است به نام ابوالقاسم علی که اطلاعات چندانی از او در دست نیست فقط گزارش‌های مختصری از او در الذریعه شیخ آقا بزرگ تهرانی و الوافی بالوفیات صفدی نقل شده است (صفدی، ۱۴۲۰: ۸۳). شیخ مفید در سوم ماه رمضان ۴۱۳ ق رحلت کرد (ابن شهر آشوب، بی تا: ۱۱۳). روی قبر شریف شیخ مفید این قطعه شعر را که به امام زمان حضرت ولی عصر (عج) منسوب است (مرعشی شوشتری، ۱۳۵۴: ۴۷۷)، نوشته‌اند:

لا صوت	الناعی	بفقدک	انه	یوم	علی	آل	الرسول	عظیم
ان کنت	قد غیبت	فی جدت	الثری	فالعدل	و	التوحد	فیک	مقیم
و القائم	المهمدی	یفرح	کلما	تلیت	علیک	من	الدروس	علیم



منادی مرگ خبر رحلت را ندهد که آن روز بر خاندان پیامبر (ص) مصیبتی بزرگ است اگر چه در خاک پنهان شده‌ای، عدالت و خداپرستی در تو جای دارد. مهدی قائم (عج) خوشحال می‌شد هرگاه تو درس‌هایی از علوم را تدریس می‌کردی. شیخ طوسی می‌نویسد روز مرگ وی به خاطر کثرت نمازگزاران و گریه‌کنندگان باشکوه برگزارشد به طوریکه تا آن روز چنین جمعیتی در روز وداع با کسی دیده نشده بود (طوسی، ۱۴۲۰: ۴۴۵). علامه طباطبایی مشهور به سید بحرالعلوم در توصیف این شیخ بزرگوار فرموده «محمد بن محمد بن نعمان، ابوعبدالله مفید استاد استادان بزرگ و رئیس روسای ملت اسلام گشاینده درهای تحقیق با اقامه دلیل و برهان و با بیان روشن خویش، سرکوب‌گر فرقه‌های گمراه دانشمندی که تمامی جهات فضل و دانش در وی جمع شده و ریاست علمی و دینی به او منتهی گشته بود» (یوسفی، ۱۳۸۹: ۱۸).

بررسی جایگاه اندیشه کلامی و فقهی شیخ مفید در یک نگاه:

شیخ مفید در عرصه اندیشه کلامی و نیز مکتب فقهی شیعه جایگاهی در خور توجه دارد: او در عرصه فقه توانست به سلطه گسترده اهل حدیث که تا نیمه دوم قرن چهارم تقریباً یک‌تاز میدان بودند پایان دهد و در برابر گرایش ظاهرگرایی که این مکتب از آن دفاع می‌کرد عقل‌گرایی را به فقه بکشد و راه استدلال و تعقل و اجتهاد اصطلاحی را در فقه شیعه بگشاید. او در عرصه کلام و عقاید نیز راهی را ادامه داد که پیش از او به همت کسانی چون الاحوص داوود بن اسد هبری و عبدالرحمن بن احمد بن جبرویه عسکری از رجال سده سوم هجری فراوری نهاده شد و بعدها کسانی از خاندان نوبختی همانند ابوسهل اسماعیل بن علی و ابومحمد حسن بن موسی بدان استمرار بخشیده بودند و جریان روبه‌رشد گرویدن از اعتزال به تشیع امامی آن را قوت و استحکام بخشیده بود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۶۲-۱۶۰). شیخ مفید بر رغم در پیش گرفتن رویکرد خردورزانه در هر دو باب فقه و کلام، از درگلتیدن به زیاده‌انگاری درامان ماند، چونان که در فقه با آرای استاد خود ابن جنید که طرفدار قیاس بود به مخالفت برخاست و کتاب النقض علی ابن جنید فی اجتهاد الرأی را به همین منظور تألیف کرد، شاگردان مفید نیز آراء فقهی ابن جنید را در آثار خویش نقل نموده و آن را رد کردند شیخ مفید در باب کلام و عقاید نیز با آن که از سویی به تصحیح عقاید استاد خود صدوق پرداخت، از سویی دیگر تا اندازه‌ای در برابر کلام معتزله به کلام شیعی استقلال داد و بیشترین همت خود را متوجه مسأله امامت ساخت؛ مسأله‌ای که ملاک جدایی این دو اندیشه از همدیگر بوده و هست (طباطبایی، ۱۳۶۸: ۴۸-۴۳). دیدگاه‌های مفید در باب اصول توحید، عدل، نبوت و معاد در کلیات و چهارچوب، تقریباً همان چیزی است که در آثار معتزله دیده می‌شود و از این زاویه بخشی از مکتب اعتزال را نمایندگی می‌کند. اما او در باب امامت تفاوت دیدگاه شیعه امامیه با معتزلیان بصره و بغداد را روشن می‌سازد و این اصل را که مورد انکار معتزلیان است تقریر و بیان می‌کند (مفید، ۱۳۹۵: مقدمه ۱۵). ساختار مباحثی که شیخ مفید در آثار کلامی خود از جمله اوائل المقالات مطرح می‌کند تقریباً هم‌سیاق و هم‌سنگ با مکتب اعتزال به نظر می‌رسد، در عین حال او با تعریف شیعه و اعتزال و بررسی اصول فکری هر یک، در صدد برآمد تا نوبختیان را از اتهام اعتزال‌گرایی رهایی بخشد و با تکیه بر نقل و حدیث، عقل‌گرایی افراطی را متعادل سازد و یکی از بزرگترین متکلمان شیعی یا از نمایندگان اصلی اندیشه‌های کلامی شیعیان دوازده امامی است، در عین حال در فقه و در دانش حدیث نیز صاحب مکتب و شخصیتی اثرگذار بوده است (همان، ۱۳۹۵: مقدمه ۱۶).

آثار و تألیفات شیخ مفید:

کهن‌ترین و مهم‌ترین منابعی که می‌توان در آن‌ها تألیفات شیخ مفید را به دست آورد. دو کتاب فهرست شیخ طوسی و رجال النجاشی است؛ این دو کتاب به قلم دو تن از شاگردان برجسته شیخ مفید که در عین حال از عالمان بزرگ شیعه نیز به شمار می‌آیند، نگاشته شده‌اند. نجاشی در کتاب رجال خود از ۱۷۴ کتاب از آثار شیخ مفید را نام برده است. از این رو مهم‌ترین منبع برای شناخت آثار شیخ مفید به شمار می‌آید. شیخ طوسی می‌نویسد: مفید نزدیک به دویست تصنیف بزرگ و کوچک دارد و فهرست کتاب‌هایش معروف است، او تنها از آثاری یاد می‌کند که به طریقی از او شنیده از این رو فهرست او تنها مشتمل بر بخشی از آثار شیخ مفید است و شمار آنها از بیست اثر تجاوز نمی‌کند (طوسی، ۱۴۲۰: ۴۴۶ و ۴۴۵). دسته‌ای از آثار شیخ مفید برخاسته از نیاز جامعه و مردم بوده است وی با تماسی که با توده مردم و محافل علمی آن روزگار داشت بویژه از طریق نام‌ها و پرسشهایی از سوی افراد یا اهالی مناطقی مانند خوارزم، مازندران، گرگان، نیشابور، ساری، ... به دست ایشان می‌رسید نیازها را تشخیص می‌داد و پس از اقدام به تألیف و تدوین کتاب یا رساله می‌کرد. مانند المسائل الجارودیه که درباره ابوالجارود و فرقه‌ای از زیدیه به همین نام است که ابوالجارود موسس آن بود (مشکور، بی تا: ۶۱). برخی از آثار شیخ مفید تألیفاتی هستند که در رد آثار و نظرات دیگران و نقض نوشته‌های مخالفان نگاشته شده است. مانند کتاب النقض علی ابن جنید فی اجتهاد الرأی که در آن شیخ مفید بیان می‌کند که ابن جنید در کتابهایش براساس گمان عمل کرده و در نقل اخبار استناد به احادیث ضعیف و به احادیث متواتر توجه نکرده است و یا کتاب نقض الخمس عشره مسائل علی البلخی که درباره رد نظریات ابوالقاسم بلخی است (مکدموت، ۱۳۸۴: ۵۹).

آثار تاریخی شیخ مفید:

با دقت و تأمل در نوشته‌های شیخ مفید به این نتیجه می‌رسیم که بیشترین آن‌ها را کتابهای عقیدتی تشکیل می‌دهند و بیشترین تبلور علم و دانش و اهتمام ایشان در زمینه کلام و فقه است، به سخن دیگر، آن اندیشه‌ای که بر آثار ایشان حاکم بوده و بر آنها سایه افکنده، تفکرات کلامی و اعتقادی ایشان و قوت و استحکام این اندیشه‌هاست، از این رو در تعداد محدودی از نوشته‌های ایشان تنها به موضوعات تاریخی پرداخته شده است، اما با این همه، ایشان در همان تعداد اثر تاریخی اندک، از زوایای مختلف به موضوع نگرسته و نقش بسیار مؤثر و مفیدی در ارائه گزارشهای تاریخی و احیاناً تحلیل مباحث مربوط به تاریخ اسلام ایفا کرده است. آثار تاریخی شیخ مفید شامل: ۱- اجوبه المسائل العکبریه ۲- ایمان ابی طالب ۳- الافصاح فی الامام ۴- المسائل الجارودیه ۵- عدم سهو النبی ۶- الفصول المختارة من العیون و المحاسن ۷- مسئله فی میراث النبی (ص) ۸- الغیبه ۹- الفصول العشره فی الغی ۱۰- النص علی علی (ع) ۱۱- المسائل السرویه ۱۲- رساله حول خبر ماریه ۱۳- اقسام مولی فی اللسان ۱۴- معنی المولی ۱۵- مسار الشیعه ۱۶- تفضیل امیرالمومنین (ع) ۱۷- شرح المنام ۱۸- الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد ۱۹- الجمل ۲۰- الامالی است.

آثار تاریخی مفقود شده شیخ مفید:

الفصوص: نام این اثر نخستین بار در بحارالانوار آمده و ظاهراً درباره امامت و فصوص امام علی (ع) بوده است. ایضاً، نجاشی، شیخ طوسی، ابن شهر آشوب از این کتاب نام برده‌اند ولی این کتاب به دست ما نرسیده و ظاهراً موضوع آن در مورد امامت و خلافت است. تزویج امیرالمومنین (ع) بنته من عمر در کتاب المسائل السرویه شیخ مفید یازده سؤال مطرح شده که

ایشان به همه آنها پاسخ داده است و در پرسش دهم این کتاب مسئله تزویج دختر امام علی(ع) با عمر مطرح شده که به نظر می‌رسد شیخ مفید به این مسئله در نوشته جداگانه‌ای پاسخ داده باشد(مجلسی، بی تا: ۷).

شیخ مفید و تاریخ‌نگاری اسلامی:

تاریخ‌نگاری اسلامی به طور مشخص منشأ عقیدتی و دینی داشت در تاریخ‌نگاری اسلامی، علی‌رغم توسعه و تنوعی که داشت؛ به نگرش علمی محض به تاریخ جایگاه معینی نداشت و تاریخ در خدمت دین بود و مسلمانان به تاریخ در حکم فن و شیوه‌ای می‌نگریستند که دارای فایده عملی بود و در زندگی سیاسی و اجتماعی آنها کاربرد داشت از این روی نسبت به تاریخ نگرشی اخلاقی و حکمی داشتند و همین امر موجب می‌شد که وقایع تاریخی را کمتر مورد تفسیر عقلانی قرار بدهند به علاوه در دنیای اسلامی هیچ زمانی تاریخ‌نگار حرفه‌ای به معنای دقیق آن وجود نداشت و گذشته را اغلب از سر نیاز یا تفنن دولتمردان، دین داران یا وابستگان به حکومت‌ها می‌نوشتند و در حکم شاخه‌ای از حکمت عملی بدان می‌نگریستند که در خدمت دین و اسباب توجیه حکومت‌ها بود(زرین‌کوب، ۱۳۸۹: ۶۷ و ۶۶). در این بین تنها معدود مورخان بودند که خلاف عرف موجود عمل می‌کردند و با رویکرد انتقادی اندکی با تاریخ برخورد می‌نمودند و بعضاً پرداختن به دستاوردهای فکری و فرهنگی ملل مختلف را در دستور کار قرار می‌دادند(روزنتال، ۱۳۶۵: ۱۱۰). تاریخ‌نگاری اسلامی اگر چه جریان فکری پویا و متداومی را به وجود نیاورد، اما گستردگی و تنوعی داشت که برخی از محدودیت‌های حاکم بر آن را کم‌رنگ می‌کرد، تاریخ‌نگاری اسلامی نمود ویژه‌ای از جهان‌بینی و انسان‌شناسی اسلامی بود و هر گونه بحث و داوری ارزشی درباره آن را باید براساس ظرف مکانی و زمانی خاصی که در آن به وجود آمده و مکتب‌های گوناگونی را پرورش داده است صورت بگیرد(همان، ۱۳۶۵: ۲۲۳-۲۱۹).

هدف شیخ مفید در تاریخ‌نگاری:

« در کار تاریخ شناخت هدف اهمیت خاصی دارد در حقیقت علم فقط از وقتی توانسته است پیشرفت واقعی حاصل کند که دریافته است در سیر خویش چگونه و از کجا باید قدم بردارد و هدفی که در پیش دارد چیست؟ تاریخ بی‌شک تنها گردآوری روایات یا مقایسه آنها و شناخت واقعیت حوادث گذشته نیست و برای این کار نظر به توجیه و تفسیر این واقعیات دارد که بین جزئیات رابطه برقرار می‌کند و آنها را به یکدیگر پیوند می‌دهد» (زرین‌کوب، ۱۳۸۹: ۱۳۸). بهترین منبعی که می‌تواند هدف شیخ مفید را در نگارش آثار تاریخی به ما نشان دهد آثار مکتوب و موجود شیخ مفید است، بخش قابل توجهی از آثار شیخ مفید چه در زمینه کلام و فقه و غیر آن و چه در زمینه تاریخ پاسخ به پرسش شیعیان و مؤمنان و افرادی است که در موضوعات مختلفی از حوادث تاریخی و معارف اسلامی دچار سردرگمی شده‌اند و از شیخ مفید پاسخ می‌طلبیدند که ما در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: کتاب جمل(مفید، ۱۳۸۳: ۲۳)، کتاب الارشاد(مفید، ۱۳۹۰: ۴)، کتاب اجوبه المسائل العکبریه(مفید، ۱۴۱۳)، کتاب عدم سهو النبی (ص)(خانجانی، ۱۳۹۲: ۵۷)، نمونه‌هایی از این کتاب‌ها است. در نام‌گذاری آثار تاریخی شیخ مفید هم می‌توان نگرش شیعی و کلامی ایشان را مشاهده کرد مثلاً در مسائل الجارودیه ایشان به رد جارودیه (شاخه‌ای از شیعیان زیدی مذهب هستند) و اثبات شیعه امامیه پرداخته است یا در ایمان ابی‌طالب شیخ مفید از برخی شواهد تاریخی به خوبی بهره گرفته و ایمان ابوطالب را به اسلام و رسالت پیامبر (ص) به خوبی اثبات نموده است و یا در النصره لسید العتره فی حرب البصره (نبرد جمل) است که چون در آن حکم شرعی کسانی که بر امام واجب الطاعه یعنی امیرالمومنین (ع) خروج کرده‌اند بیان شده و آن حضرت به نوعی در این نوشته مورد حمایت و یاری قرار گرفته‌اند نام النصره را برای آن برگزیده است.



مکتب تاریخ‌نگاری شیخ مفید:

تاریخ‌نگاری اسلامی از آغاز در دو جهت اساسی حرکت می‌کرد که به سبب نگرشش به موضوع و مواد خاص تاریخی هر یک را مکتبی در تاریخ‌نگاری شمرده‌اند، هر یک از این دو مکتب در یکی از دو مرکز فرهنگی پا گرفت، یکی در مدینه و یکی در عراق یا دقیق‌تر در بصره و کوفه در مدینه دیدگاه اسلامی و در بصره و کوفه که مرکز فعالیت‌های نظامی و قبیله‌ای بود، دیدگاه قبیله‌ای غلبه داشت (سجادی و عالم زاده، ۱۳۸۸: ۴۷). به نظر می‌رسد که مکتب تاریخ‌نگاری شیخ مفید به مکتب عراق نزدیک‌تر است بیشتر بدان سبب که نگارش وی بر آنچه در تعریف تاریخ‌نگاری عراق و ویژگی‌های آن آورده‌اند بیشتر منطبق است چرا که شاخصه‌های عمده این مکتب بیشتر بر محور استفاده از اسناد و نامه‌های رسمی در تدوین تاریخ، وجود علقه‌های عاطفی با انقلاب‌ها و قیام‌ها و شورش‌های ضد اموی، نگرش کلی و جامع، تکون شعور به رسالت جهانی اسلام و عهده‌داری ترویج آن از سوی مسلمین و غیر اینها استوار است و نوشته‌های ایشان به این موضوعات نزدیک‌تر است (آئینه‌وند، ۱۳۷۷: ۵۱۷/۱-۵۱۵). شاید بهتر باشد که در نگارش تاریخی شیخ مفید به دنبال انطباق تاریخ‌نگاری وی با تعریف‌های موجود از مکاتب تاریخ‌نگاری نباشیم بلکه باید در جستجوی نگرش تاریخی شیخ مفید برآییم زیرا نگاه تاریخی ایشان به حوادث تاریخی بیشتر رنگ کلامی و شيعی دارد و این سبب شده که یافتن مکتب تاریخ‌نگاری ایشان دشوار باشد اما به هر صورت چنان که گفته شد مکتب و سبک تاریخ‌نگاری شیخ مفید بیش از دیگر مکاتب‌ها به مکتب عراق نزدیک است.

روش تاریخ‌نگاری شیخ مفید:

مقصود از «روش» چگونگی صورت تألیف و نقل مطالب تاریخی است. عمده‌ترین روش‌هایی که بیشترین نگارش‌های تاریخی، به ویژه در قرون آغازین اسلامی بر پایه آنها سامان یافته‌اند عبارت‌اند از روش‌های روایی (نقلی)، تحلیلی و ترکیبی. روش ترکیبی در تاریخ‌نگاری آن است که مورخ به جای ذکر روایات مختلف، از راه مقایسه و ترکیب و ایجاد سازگاری میان آن روایات گوناگون واقعه مذکور را طی یک روایت توضیح می‌دهد و در روش تحلیلی مورخ در کنار نقل روایت غالباً ترکیبی به تحلیل و بررسی علل و نتایج آن می‌پردازد (سجادی و عالم زاده، ۱۳۸۸: ۴۶-۳۶). شیخ مفید نیز روایات مورد نظر خویش را برگزیده، پس از حذف استاد در بیشتر موارد و یکدست و پیوسته نمودن آنها، که لازمه روش ترکیبی است تاریخ نوینی از زندگانی امامان علیهم السلام بازآفریده است؛ ضمن آنکه در قالب اندیشه خویش، در برخی موارد، به دستیابی به علل و عوامل رویدادهای تاریخی و سپس بررسی و بیان آن نیز پرداخته است؛ این ویژگی‌ها را بیشتر در روش تحلیلی می‌توان دید تا روش‌های دیگر.

منابع شیخ مفید در گزارشهای تاریخی:

هر چه منبع مورد استفاده در گزارشهای تاریخی به زمان وقوع حوادث نزدیک‌تر باشد، اتقان و صحت بیشتری دارد، شیخ مفید در عصری می‌زیست که رشد و تکامل علوم اسلامی به اوج خود رسیده بود از سوی دیگر بسیاری از منابع کهن تاریخ اسلام در اختیار وی قرار داشت که در دوره‌های بعد از بین رفته‌اند به همین دلیل به عنوان نمونه ایشان در مقدمه کتاب نبرد جمل آورده است که از همه کتابهایی که در این باره تصنیف شده بهره برده است که هم اکنون این منابع در دسترس ما نیستند بنابراین می‌توان جمل را از منابع اولیه تاریخ اسلام به شمار آورد (مفید، ۱۳۸۳: مقدمه/۲۳). شیخ مفید در نقل حوادث

تاریخی از یک یا چند منبع مشخص یا از یک طریق یا یک شکل معینی بهره نگرفته است؛ از این رو باید منابع مورد استفاده ایشان را به طور کلی به چند دسته تقسیم نمود: ۱- **منابع دسته اول: الجمل**؛ نوشته ابومخنف لوط بن یحیی که یکی از مشهورترین اخباریان و نسب‌شناسان کوفه بوده است (نجاشی، ۱۴۱۸: ۳۲۰). شیخ مفید در چند مورد مستقیماً از آن مطلب نقل کرده است در هنگام یادکردن از آن با عبارت کتاب المصنف فی حرب البصره یا کتابه الذی صنفه فی حرب البصره استفاده کرده است (مفید، ۱۴۱۳: ۹۵). **مقتل عثمان**؛ نوشته ابو حذیفه اسحاق بن بشر قرشی بخاری وی در بلخ زاده شد اما در بخارا زندگی می‌کرد و در همان جا نیز درگذشت (بغدادی، بی تا: ۳۲۶) از این رو به بخاری منسوب شده است. شیخ مفید در کتاب جمل خود با عبارت کتاب الذی صنفه فی مقتل عثمان از آن یاد کرده است. **کتاب الجمل**؛ نوشته ابوعبدالله محمد بن عمر وقدواقدی مدنی از مورخان دهه‌های پایانی قرن دوم و برآمده از مکتب تاریخ‌نگاری و حدیثی مدینه است که تخصص ویژه‌اش در مغازی و فتوحات و اخبار تاریخی است و کتاب مشهور المغازی در سیره نبوی از آثار اوست (ابن ندیم، بی تا: ۱۱۱). **البيان والتبيين**؛ این کتاب نوشته ابوعثمان عمرو بن بحر بن محبوب مشهور به جاحظ است. شیخ مفید به مناسبت بیان برخی از خطبه‌های امیرالمومنین (ع) از این کتاب استفاده کرده و در کتاب الجمل خود از آن یاد کرده است. **فضیله المعتزله**؛ نوشته جاحظ که پیش از این معرفی شد و شیخ مفید از این کتاب استفاده کرده و در کتاب الجمل خود از آن نام برده است. البته این کتاب نیز مفقود شده و در دسترس نیست (مفید، همان: ۶۲). **مقاتل الطالبیین**؛ نوشته ابوالفرج علی بن حسین اصفهانی از مشهورترین اثر اوست که حاوی سرگذشت فرزندان و نوادگان ابوطالب از زمان پیامبر (ص) تا نیمه قرن چهارم قمری است؛ مهم‌ترین گزارش تاریخی شیخ مفید که منطبق بر روایات مقاتل الطالبیین است، گزارش مربوط به چگونگی شهادت حضرت علی (ع) است که در یک فصل با عنوان «و من الاخبار الواردة بسبب قتله و کیف جرى الامر فی ذلک» (اصفهانی، ۱۴۰۵: ۱۷).

۲- **منابع دسته دوم**: این بخش از منابع شیخ مفید برخی مشایخ ایشان و راویانی هستند که وی بخشی از مطالب و گزارش‌های تاریخی خود را از آنان گرفته است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود: ۱- ابومحمد حسن بن محمد بن یحیی علوی معروف به «ابن أخی طاهر» است. ۲- ابوالجیش مظفر بن محمد بلخی: متکلم و اهل بحث و مناظره بود و علمای امامیه ابوالجیش را به عنوان متکلم می‌شناختند. ۳- ابوالحسن علی بن بلال مهلبی: نجاشی به عنوان (شیخ أصحابنا بالبصره) از او یاد کرده است و از آثار او می‌توان المسح علی الخفین، المسح علی الرجلین، البیان عن خیره الرحمن فی ایمان أبی طالب و آباء النبی (ص) را نام برد، سند روایات او به فضل بن شاذان می‌رسد و فضل نیز کتاب القائم (ع) و کتاب الملاحم را داشته، ممکن است روایات در مواردی که از فضل نقل شده برگرفته از این دو کتاب باشد که شیخ مفید این روایات را در جلد دوم کتاب الارشاد آورده است البته شیخ مفید در بسیاری از صفحه‌های فصول المختاره و مطالب الامالی از روایات علی بن بلال استفاده کرده است (مفید، ۱۳۷۷: ۱۸۲-۱۶۷). ۳- **منابع دسته سوم**: این دسته از منابع شیخ مفید منابعی هستند که ایشان به شکل کلی روایات و گزارش‌های تاریخی را به عده‌ای از راویان یا مورخان یا سیره‌نگاران استناد داده است، و در برخی موارد از آنان نام برده است اما این کمک نمی‌کند تا بتوان منابع مربوط به آن موضوع را دقیقاً بازشناخت چون مشخص نیست که وی از کتاب آنان استفاده کرده یا نه؟ چه بسا از کتاب دیگران که از آنان روایات نقل کرده‌اند آورده باشد البته در برخی موارد با تطبیق روایات یا گزارش‌های تاریخی ایشان بر منابع کهن تا اندازه‌ای می‌توان به منابع مورد استفاده شیخ مفید دست یافت اما در این مرحله نیز به چیزی بیش از حدس و گمان نمی‌توان رسید اگر چه در برخی موارد گمان و احتمال قوی خواهد بود مانند گزارش برخی غزوه‌های پیامبر (ص) که شباهت زیادی با مغازی واقدی دارند یا شباهت‌های دیگری که با مقایسه این گزارش‌ها

با منابع دیگری چون تاریخ الطبری می‌توان آنها را دریافت کرد (خانجانی، ۱۳۹۲: ۷۹).

اصول و معیارهای شیخ مفید در تاریخ‌نگاری:

شیخ مفید برای نقل و بررسی گزارش‌های تاریخی ملاک‌ها و معیارهایی را در نظر داشته که سبب شده است در برخی موارد سبک ایشان تفاوت بسیاری با مورخان دیگر داشته باشد که به اختصار فقط به آنها تیتروار اشاره می‌کنیم: ۱- امانت‌داری در نقل حوادث و گزارش‌های تاریخی (مفید، ۱۳۸۳: ۱۶۸). ۲- رعایت اعتدال و انصاف در نقل حوادث (مفید، ۱۴۱۳: ۱۶۸ و مفید، ۱۴۱۳: ۱۳۱-۱۳۶). ۳- قضاوت و داوری عقلانی در پذیرش یا رد اخبار تاریخی (زریاب خویی، ۱۳۶۸: ۴۱ و مکدرموت، ۱۳۸۴: ۴۱۸-۴۲۶ و همان، ۱۳۸۴: ۴۲۵). ۴- تقیه و تاریخ‌نگاری (مفید، ۱۴۱۳: ۴۱۹-۴۱۸ و همان، ۱۴۱۳: ۴۲۰-۴۱۹).

شیخ طبرسی:

ابوعلی فضل بن حسن طبرسی کنیه ایشان ابوعلی و ملقب به امین الدین و امین الاسلام و مشهور به طبرسی است (مدرسی تبریزی، ۱۳۹۵: ۶۰۴/۳)، درباره سال تولد ایشان اختلافاتی وجود دارد اما محمد باقر خوانساری در روضات الجنات ولادت ایشان را بین سالهای ۴۶۰ تا ۴۷۰ هجری بیان کرده است (خوانساری، ۱۳۶۰: ۳۰۵/۵). درباره زادگاه طبرسی اختلاف نظر وجود دارد گروهی ایشان را اهل طبرستان و گروهی اهل تفرش می‌دانند. از این نظر ایشان را اهل طبرستان می‌دانند زیرا وی در آغاز کتاب اعلام الوری پس از حمد و ثنای پروردگار و درود بر حضرت رسول و اهل بیت علیهم السلام از پادشاه مازندران تجلیل و تعظیم می‌کند و او را یکی از دوستان اهل بیت معرفی می‌کند این تعریف از پادشاه مازندران و تقدیم کتاب اعلام الوری به آن سلطان خود بزرگترین دلیل است که وی از طبرستان بوده و با آن ناحیه ارتباط داشته است (طبرسی، ۱۳۷۷: مقدمه/۱۲-۱۱). ولی از طرف دیگر ایشان را اهل تفرش می‌دانند زیرا بیهقی که خود هم عصر طبرسی بوده است می‌نویسد: «طبرسی منزلی است میان قاشان (کاشان) و اصفهان و اصل ایشان از آن بقعت بوده است» (بیهقی، بیتا: ۲۴۲). فضل بن حسن دوران کودکی و تحصیل خود را در مشهد گذراند و پس از چند سال حضور در مکتب و فراگیری و خواندن و نوشتن و یادگیری قرائت قرآن، خود را برای حضور در جلسه بزرگان دین آماده ساخت و به یادگیری علوم متداول عصر خود پرداخت تا آنکه در همه رشته‌های از ادبیات عرب تا حدیث، فقه، اصول، تفسیر و حتی جبر و مقابله تبحر یافت (پور امینی، ۱۳۷۷: ۴۴-۴۲). اگر چه صاحب مجمع بنام طبرسی شهرت یافته اما در مشهد مقدس و سبزوار دوران زندگی خود را سپری کرده است، ایشان نزدیک ۵۴ سال در مشهد مقدس اقامت داشته‌اند و تا پایان عمرشان یعنی حدود ۲۵ سال در سبزوار زندگی کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۷: مقدمه/۵). ایشان در مشهد با نفوذی که سادات آل زبارة در این شهر داشتند با عزت و احترام زندگی می‌کرد (کریمیان، ۱۳۴۰: ۲۰۹/۱) و پس از اینکه به سبزوار رفت مدیریت مدرسه دروازه عراق را بر عهده گرفت و به تدریس علوم گوناگون و تعلیم و تربیت شاگردان بزرگ و تألیف کتابهای مختلف پرداخت، امروزه شاگردان شیخ طبرسی از مشهورترین دانشمندان شیعه به شمار می‌آیند (دوانی، ۱۳۶۳: ۴۰۹/۳). استادان امین الدین طبرسی همگی از علمای بزرگ شیعه و سنی بوده‌اند، از جمله آنها ابوعلی طوسی فرزند شیخ طایفه عالم بزرگ شیعه شیخ طوسی است وی به مفید ثانی مشهور است (کریمان، ۱۳۴۰: ۲۹۰) و در ریحانة الادب به شاگردی علامه طبرسی نزد ابوعلی حسن طوسی اشاره شده است (مدرسی تبریزی، ۱۳۹۵: ۳۸۷/۳). علامه طبرسی در شب دهم ذی حجه سال ۵۴۸ ه. ق در سبزوار چشم از جهان فرو بست، در روضات



الجنات دو نقل قول است، یکی سال ۵۰۲ که بطلان آن واضح است، زیرا مجمع البیان در سال ۵۳۶ تألیف یافته است و دیگری همان سال ۵۴۸ است (خوانساری، ۱۳۶۰: ۳۰۵/۵) نکته قابل بررسی درباره وفات طبرسی آن است که برخی نویسندگان از علامه به عنوان شیخ شهید یاد کرده‌اند از جمله علامه خوانساری نویسنده روضات الجنات و افندی نویسنده ریاض العلماء، علامه امینی صاحب شهداء الفضیله، اما این نویسندگان چگونگی شهادت ایشان را بیان نکرده‌اند ولی گویا وی با سم به شهادت رسیده است. نظر دیگر درباره شهادت علامه طبرسی این است که در سال ۵۴۷ ه.ق طایفه غزکه از عاملان ستمگر سنجر سلجوقی به تنگ آمده بودند به نواحی خراسان و برخی شهرهای دیگر حمله کردند و بسیاری از علما و مردم ایران شهید شدند و از شخصیت‌های بزرگ علمی که در این حمله شهید شد امین الدین طبرسی بود (جرفادقانی، ۱۳۶۴: ۳۲) منابعی که در مورد حمله غزها سخن گفته‌اند از علامه طبرسی در میان شهدای این حمله نامی نبرده‌اند، برای نمونه در کتاب جامع التواریخ اثر همدانی و تاریخ گزیده اثر مستوفی در ماجرای حمله غزها به خراسان از شهادت علامه سخنی به میان نیامده است. افزون بر این در تاریخ بیهقی (بیهقی، بی تا: ۲۴۳)، جلد پنجم الذریعه (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۶: ۲۵۷/۵)، ریحانة الادب (مدرسی تبریزی، ۱۳۹۵: ۳۹۱/۳) به وفات علامه اشاره شده است.

آثار و تألیفات شیخ طبرسی:

عبدالجلیل قزوینی در کتاب نقض در اشاره به مفسران بزرگ شیعه می‌نویسد: «اگر شیعه امامیه خواهند که از مفسران خود لافی زنند از جماعتی نامعتبر و نامعروف زنند که خواجه آورده است، از تفسیر محمد باقر (ع) لاف زنند و از قول جعفر صادق (ع) و از تفسیر حسن عسگری (ع) و بعد از آن از تفسیر ابوجعفر طوسی و محمد فتال نیشابوری و ابوعلی طبرسی و خواجه ابوالفتوح رازی رحمه الله که هم خبیر و عالم بوده‌اند اولیان هم معصوم و آخرین هم عالم و امین و معتمد بوده‌اند». بنابراین عبدالجلیل، علامه طبرسی را خبیر و عالم و امین و معتمد دانسته است ولی از تفسیر علی بن ابراهیم نام نبرده است بنابراین او را از معتمدان شیعه به شمار نیاورده است (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۲۶۳). شیخ منتجب الدین درباره علامه طبرسی می‌گوید: شیخ امام امین الدین ابوعلی فضل بن حسن بن فضل طبرسی، دانشمندی مورد اعتماد، فاضل، پارسا و برجسته است و او دارای تصنیفاتی از جمله مجمع البیان در تفسیر قرآن است که من او را دیده‌ام و بعضی کتاب‌ها را نزد او خوانده‌ام (بابایی، ۱۳۹۰: ۲۳). در منابع دیگر رجال و فهرست و کتب احادیث و اخبار و تفسیر و تاریخ و غیره در حدود بیست کتاب از آثار او را نام برده‌اند. برخی از آثار او به شرح زیر معرفی شده‌اند: ۱- الاداب الدینیة للخرزانه المعینیة ۲- العمدة فی اصول الدین ۳- الفائق ۴- جواهر النحو یا جواهر جمل ۵- کنوز النجاج ۶- مجمع البیان فی تفسیر قرآن ۷- الکاف الشاف ۸- جوامع الجامع: علامه طبرسی بعد از آن که تفسیری بر اساس کشف زمخشری نوشت، متوجه شد که نکاتی در مجمع هست که در کشف نیامده و نکاتی در کشف هست که در مجمع نیامده است پس تصمیم گرفت نکات هر دو کتاب را جمع‌آوری کند و در اثری جداگانه به نام جامع الجوامع به رشته تحریر در آورد او این اثر را به اصرار فرزندش ابونصر الحسن در ۴ جلد به زبان عربی در دوازده ماه نگاشته است، این تفسیر افزون بر بلاغت و اختصار، سرشار از نکته‌های علمی و پاسخ مسائل مبهم است و از بهترین تفسیرهای شیعی به شمار می‌آید، سن علامه در زمان نگارش این کتاب بیش از ۷۰ سال بوده است. خصوصاتی که این تفسیر را بر تفاسیر دیگر برتری داده، موارد زیر است: ۱. اختصار و حذف مطالب غیرضروری؛ ۲. نقل روایاتی از شیعه که گاهی با تفسیر کشف موافق و در بسیاری موارد مخالف است. ۳. نقل برخی مطالب زمخشری؛ ۴. هنگام اختلاف نظر با آرای معتزله یا نظر زمخشری، آنچه را خود حق می‌دانسته، برگزیده است (عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۲: ۱۳۶-۱۳۳). ۹- النور المبین ۱۰-



اعلام الوری بأعلام الهدی ۱۱- اسرار الامامة ۱۲- تاج الموالید ۱۳- نشر اللالی ۱۴- المؤتلف من المختلف بین ائمه السلف: این کتاب فقه تطبیقی بوده و تحریر جدیدی از کتاب مسائل الخلاف شیخ طوسی است، با این تفاوت که او نواقص موجود در الخلاف را مرتفع ساخته و استدلال‌های او را تقویت و ادعاهای اجماع را کنار زده و با علامت (ج) مسائل اجتماعی را بیان کرده است. او بیشتر به مسائل مورد اتفاق توجه کرده است و آنچه مورد ائتلاف و مایه اتفاق است برگزیده است (نیازی، ۱۳۹۵: ۴۰).

هدف شیخ طبرسی در تاریخ‌نگاری:

شاید بتوان گفت به همان اندازه که برای تاریخ‌نگاری انگیزه‌هایی برشمرده‌اند، اهداف و فوایدی نیز می‌توان برای آن تصور کرد؛ زیرا هدف و غایت کاری، خود نخستین انگیزه اقدام بدان عمل است. علل و انگیزه‌های تدوین سیره‌ها، مغازی، انساب، تواریخ عمومی و دیگر تواریخ را می‌توان از این دیدگاه نگریست. انسان طبیعتاً دوستدار تاریخ است؛ به قول بیهقی «اگر این محبت در غرایز آدمیان مرکب نبودی از گذشتگان هیچ شریعت و فضایل و اخبار و حکایت به متأخران نرسیدی...» و طریق آسایش و سبکباری در اقتداء بگذشتگان مسدود گشتی» (بیهقی، بی تا: ۹). تدوین فرهنگ و معارف اسلامی با آغاز طلوع اسلامی همراه است. تاریخ‌نگاری نیز به صورت ثبت و نقل حوادث و رویدادها به طور پراکنده، از همان آغاز مرسوم شده است. روایاتی که درباره سیره نبوی و نیز حوادث تاریخ اسلام در چنین کتبی نقل شده تحت تأثیر عقاید گوناگون سیره نویسان و وقایع‌نگاران بوده و به قدرت ادراک و تسلط آنها بستگی داشته است به علاوه گرایش‌های سیاسی مذهبی و اجتماعی نیز در این عمل بی-تأثیر نبوده است (عاملی، ۱۳۸۱: ۲۰). بهترین منبعی که می‌توان هدف شیخ طبرسی را در نگارش آثار تاریخی به ما نشان دهد آثار مکتوب و موجود ایشان است، بخش قابل توجهی از آثار ایشان تفسیر قرآن است. دوره حیات طبرسی از درخشان‌ترین دوره‌های علوم قرآنی و آموزه‌های تفسیری است و در این دوره تفاسیر مشهور و ارزشمندی چون تفسیر ابوالفتوح رازی تألیف خزاعی در چندین جلد تدوین گردید و یا طبرسی به تدوین مجمع البیان پرداخت، از این رو می‌توان این قرن را قرن قرآن و تفسیر نامید که در آن فرقه‌های گوناگون شیعه و سنی تفسیرهایی را با نگرش‌های مذهبی خود در مقام اثبات و تحکیم عقاید خویش نگاشته‌اند (عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۲: ۳۹۶/۲). شیخ طبرسی با دوراندیشی به دنبال ایجاد وحدت در حوزه‌های مختلف علمی- فرهنگی مسلمانان مذاهب مختلف اسلامی بود هدف شیخ طبرسی نزدیک ساختن شیعیان و اهل سنت به یکدیگر و رفع اختلافات و خنثی کردن دشمنی میان آنها بود، لذا نظریه تقریب مذاهب الگویی مناسب برای رسیدن طبرسی به مقاصدش بود. در اینجا به چند اثر طبرسی که نظریه تقریب مذاهب در آن لحاظ شده است می‌پردازیم. طبرسی در کتاب المؤتلف من المختلف بین ائمه سلف به مسائل مورد اتفاق توجه نموده و آنچه مورد ائتلاف و مایه اتفاق است را از میان مسائل اختلافی برگزیده است. ایشان در تألیف مجمع البیان خود را ملزم به رویکرد تقریب کرده تا جایی که مورد انتقاد برخی علما قرار گرفته از جمله صاحب حدائق که در این باره گفته است: بیشتر روایات تفسیر مجمع البیان از قول مفسران عامه است و از خاصه جز قلیلی از تفسیر عیاشی و علی بن ابراهیم قمی نقل نکرده است (کریمان، ۱۳۴۰: ۱۵۱/۲). طبرسی در اعلام الوری در هنگام نقل زندگی حضرت زهرا کمترین اشاره‌ای به برخورد حضرت با حاکمیت روابط میان ایشان با خلیفه اول و دوم نکرده است (طبرسی، ۱۳۷۷: ۲۲۶-۲۲۱). و یا در بحث دفن امام حسن مجتبی (ع) با آن که اشاره به حضور عایشه و سروصدای وی کرده، اما این خبر را آورده که از اصل قرار نبود تا امام را در کنار جدش پیغمبر (ص) دفن کنند، بلکه وی را برای تجدید عهد به آن سمت آوردند و قرار بود تا در بقیع کنار جدهاش فاطمه بنت اسد دفن شود (همان، ۱۳۷۷: ۳۰۶-۳۰۵). ایشان به نظریه تقریب پایبند بود و این نظریه را به صورت آشکار در مقابل نظریه تقطیع که از روش حذف استفاده می‌کرد ارائه و به جامعه



اسلامی معرفی نمود. لذا روش وی در تألیف اندیشه تقریب است بنابراین کتاب‌های المؤلف، اعلام الوری، مجمع البیان نمونه-های این رویکرد هستند. هدف دیگر شیخ طبرسی در اعلام الوری این بوده تا خلاصه‌ای از دیدگاه تاریخی شیعه را درباره سیره رسول خدا (ص) و تاریخچه زندگی امامان، به همراه بحث امامت آنها عرضه کند. یکی از مهمترین علل، خالی بودن جامعه از منبعی روان در این زمینه بود، گرچه شیخ مفید در قرن ۴ و ۵ می‌زیست و کتاب ارشاد را با روشی کلامی-تاریخی برای جامعه آن روز نگاشت. ولی این کتاب به سنت و سیره نبوی نپرداخته است و خالی بودن نوشته‌ای در این زمینه که بیشتر جنبه تاریخی داشته باشد در جامعه شیعی احساس می‌شد. لذا طبرسی با هدف بی‌نیازی جامعه از منبعی جامع در حوزه سیره نبوی (ص) و تاریخ معصومین علیهم السلام کتاب اعلام الوری را نگاشت.

مکتب تاریخ‌نگاری شیخ طبرسی:

به شیوه معین و یا نظریه مشترکی که گروهی از فلاسفه، اندیشمندان و پژوهشگران دنبال می‌کنند، مکتب می‌گویند. مکتب‌ها از حیث محتوا و اهداف به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱- مکتب نگرشی ۲- مکتب نگارشی (آینه‌وند، ۱۳۷۷: ۴۲۵/۱). مکتب‌های نگرشی هم از حیث پیدایش و اسباب و علل و هم از حیث محتوا با مکتب‌های نگارشی تفاوت دارد. مکتب‌های نگرشی، شاید در بروز و تجلی خود، مرهون فرد یا افرادی از اندیشمندان باشد، ولی اختراع و تأسیسشان مرهون وضعیت خاص هر عصر و در گرو اسباب و عوامل اجتماعی سیاسی، اقتصادی و دینی همان عصر است. مانند مکتب تاریخ‌نگاری توین بی، هگلی، ماکیاوولی، رومی (همان، ۱۳۷۷: ۴۲۶). مراد از مکتب نگارشی، اندیشه‌های بنیادی پیدایش جریانی از دانش است که یک یا چند تن آن را، به ظهور می‌رسانند و به کوشش خود آن فرد یا افراد و یا شاگردانشان، نشر می‌گردد. گرچه نمی‌توان نقش عوامل اجتماعی و سیاسی و دینی را در پدیدآوردن این گونه مکاتب نادیده گرفت. مکتب‌های تاریخ‌نگاری در اسلام همه در زمره مکاتب نگارشی است. تنوع محیط جغرافیایی جهان اسلام، نیاز حکام هر منطقه به تاریخ از زاویه مقاصد سیاسی و دینی خود، جدال در کسب مشروعیت دینی و سیاسی، زمینه‌ساز پیدایش مکاتب تاریخ‌نگاری متفاوت شد (همان، ۱۳۷۷: ۴۲۷-۴۲۶). به نظر می‌رسد که مکتب تاریخ‌نگاری شیخ طبرسی، به مکتب مدینه نزدیکتر است بیشتر بدان سبب که نگارش وی بر آنچه در تعریف تاریخ‌نگاری مدینه و ویژگی‌های آن آورده‌اند. بیشتر منطبق است چرا که شاخصه‌های عمده این مکتب را دارد که به مواردی از آن اشاره می‌کنیم: ۱- زمان و مکان را در بررسی واقعه‌های تاریخی مورد توجه قرار می‌دهد. ۲- به مشاهده مکان‌های وقایع تاریخی و غزوات می‌پردازد و معلومات به دست آمده از طریق راویان را با مشاهدات مقایسه می‌کند. ۳- از اسناد تاریخی بهره می‌گیرد و نام مسلمانان مؤثر در تاریخ اسلام را مثل شهدا، انصار، مهاجران، شرکت‌کنندگان در غزوات، ذکر می‌کند. ۴- رعایت تسلسل حوادث تاریخی را در نظر دارد (همان، ۱۳۷۷: ۴۶۱). نگاه تاریخی شیخ طبرسی بیشتر رنگ کلامی و اعتدال دارد و این سبب شده که یافتن مکتب تاریخ‌نگاری ایشان دشوار باشد اما به هر صورت چنان که گفته شد، مکتب و سبک تاریخ-نگاری شیخ طبرسی بیش از دیگر مکتب‌ها، به مکتب مدینه نزدیک است.

روش تاریخ‌نگاری شیخ طبرسی:

روش: چگونگی صورت تألیف و نقل مطالب تاریخی است (همان، ۱۳۷۷: ۴۲۷-۴۲۶). شیخ طبرسی در اعلام الوری پایبندی خود را به روش ترکیبی را نشان می‌دهد و در انتخاب گزاره‌های خود گزاره‌های کلامی را برگزیده‌های تاریخی را مقدم می‌دارد. به این معنا که برای اثبات گزاره‌ای کلامی از گزاره‌های تاریخی استفاده می‌نماید. این روش در موضوع‌های

مختلف خاصه بیان ادله امامت معصومین علیهم السلام در ابتدای تاریخ‌نگاری حیات هر کدام از آنها، مورد استفاده مؤلف قرار گرفته است (نیازی، ۱۳۹۵: ۴۶).

منابع شیخ طبرسی در گزارشهای تاریخی:

امین الاسلام طبرسی با هدف بی‌نیازی جامعه از منبعی جامع در حوزه سیره نبوی و تاریخ معصومین علیهم السلام کتاب اعلام الوری را نگاشت. از منابع دیگر شیخ طبرسی در اعلام الوری می‌توان کتابهای عیون اخبار الرضا (ع) تألیف شیخ صدوق، الشافی فی الامامه تألیف سید مرتضی، الکافی تألیف ابوجعفر کلینی، الرد علی الزیدیه تألیف دوریستی، المعرفه تألیف ایواسحاق ثقفی اشاره کرد (همان، ۱۳۹۵: ۶۲-۶۱).

اصول و معیارهای شیخ طبرسی در تاریخ‌نگاری:

با مطالعه آثار طبرسی به این نتیجه می‌رسیم که وی شیعه‌ای معتدل بوده و با همین نگاه به نگارش آثارش پرداخته و از این رو توانسته است زوایای پنهانی از تاریخ اسلام را واکاوی کند. ایشان برای نقل و بررسی گزارش‌های تاریخی ملاک‌ها و معیارهایی داشته‌اند که در اینجا به برخی از آنها می‌پردازیم: ۱- امانت‌داری در نقل حوادث و گزارشهای تاریخی (بابایی، ۱۳۹۰: ۵۴-۵۳ و طبرسی، ۱۳۷۷: ۱۳۵). ۲- رعایت اعتدال و انصاف در نقل حوادث (همان، ۱۳۷۷: مقدمه/۳-۱۵) قضاوت و داوری عقلانی در پذیرش یا رد اخبار تاریخی (طبرسی، ۱۳۹۰: ۱/۴۹ و همان، ۱۳۹۰: ۲۱۸ و طبرسی، ۱۳۷۷: ۲۳۷-۲۳۴).

نتیجه‌گیری:

شیخ مفید از عالمان برجسته شیعه در قرن چهارم و دهه نخست قرن پنجم هجری است، وی در زمان آل بویه زندگی می‌کرد، در این زمان شیعیان آزادی بیشتری بدست آوردند، و شیخ مفید برای پاسخ دادن به سوالاتی که برای شیعیان و مومنان در موضوعات مختلف و معارف اسلامی ایجاد شده بود کتاب الارشاد را نگاشت. فضل بن حسن طبرسی معروف به شیخ طبرسی از بزرگان و مفسران بزرگ شیعه در قرون پنجم و ششم است. شیخ طبرسی با هدف بی‌نیازی جامعه از منبعی جامع در حوزه سیر نبوی (ص) و تاریخ معصومین علیهم السلام، کتاب اعلام الوری را نگاشت. هدف از این پژوهش مقایسه تاریخ-نگاری (الارشاد شیخ مفید و اعلام الوری طبرسی) با توجه به ابعاد سیاسی، اجتماعی دوران حیات آنها بود و اینکه آنها از چه روشی برای تاریخ‌نگاری استفاده کرده‌اند و علاوه بر آن، بیان و بررسی برخی از مطالب تاریخی که مورد اختلاف نظر شیخ مفید و طبرسی و دیگر علما می‌باشد. با توجه به موضوع پژوهش که در مورد مقایسه تاریخ‌نگاری الارشاد شیخ مفید و اعلام الوری طبرسی است علاوه بر نکاتی که ذکر شد، یکی از دلایل اصلی پرداختن به این پژوهش، نمایان ساختن اهمیت بررسی تاریخ‌نگاری شیخ مفید و طبرسی است که به این موضوع توجه چندانی نشده و جای این مبحث مهم در پژوهش‌ها خالی است. نتایج تحقیق را در قالب نکات بیان می‌کنیم:

۱. شیخ مفید و طبرسی به زندگی امامان علیهم السلام پرداخته‌اند با این تفاوت که طبرسی زندگی پیامبر (ص) را جداگانه مورد بررسی قرار داده است.

۲. شیخ مفید و طبرسی با نگاه کلامی به رویدادهای تاریخی پرداخته‌اند به این معنا که برای اثبات گزاره‌های کلامی از گزاره‌های تاریخی استفاده کرده‌اند، روش تاریخ‌نگاری شیخ مفید در الارشاد تحلیلی و روش تاریخ‌نگاری شیخ طبرسی در اعلام الوری ترکیبی است.

۳. انگیزه شیخ مفید و طبرسی از طرح مباحث تاریخی اثبات امامت امامان علیهم السلام است با این تفاوت که شیخ مفید در نقل اخبار تاریخی خصوصاً مسائل اختلافی موضع قاطعانه‌تری اختیار کرده و با ذکر حوادث خاص تاریخی و استدلال‌های عقلی و کلامی در مورد آنها، سعی در بیان عقاید خاص شیعیان دارد در حالی که شیخ طبرسی به مسائل اختلافی بین شیعیان و اهل سنت کمتر پرداخته و روش وی در تالیف اعلام الوری اندیشه تقریب مذاهب است و ایشان بیشتر به دنبال وحدت و اتحاد در جامعه اسلامی بوده است.

۴. شیخ مفید و طبرسی بسیاری از منابع کهن تاریخ اسلام را در اختیار داشتند و با استفاده از منابع متعدد (اعم از منابع شیعه و سنی) به شیوه‌ای به نگارش الارشاد و اعلام الوری پرداخته‌اند که برای عموم شیعیان قابل استفاده باشد، هر چند لازمه این کار عدم ذکر سلسله سند اخبار و وقایع است ولی با این حال شیخ مفید به ذکر منابع و مصادر می‌پردازد و در بسیاری موارد سند نقل‌های خویش را آورده اما شیخ طبرسی بیشتر مطالب را بدون ذکر سلسله نقل کرده است.

منابع:

۱. آقا بزرگ تهرانی، محمدحسن، ۱۴۰۶ق، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۲، ۲۶ ج، بیروت، دارالاضواء.
۲. آئینه‌وند، صادق، ۱۳۷۷ش، علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، ج ۱، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳. ابوالفرج اصفهانی، علی بن الحسین، ۱۴۰۵ق، مقاتل الطالبین، به کوشش کاظم مظفر، قم، منشورات الرضی.
۴. ابن ندیم، محمدبن اسحاق، بی تا، الفهرست، تحقیق رضا تجدد، بی جا، بی تا.
۵. ابن شهر آشوب، محمدبن علی، بی تا، معالم العلماء، بیروت، دارالاضواء.
۶. بیهقی، ابوالحسن علی بن زید، بی تا، تاریخ بیهق، تهران، کتابفروشی فروغی.
۷. بابایی، اعظم، ۱۳۹۰ش، زندگی و اندیشه‌های علامه طبرسی، قم، صدا و سیما، مرکز پژوهشهای اسلامی.
۸. پورامینی، محمدباقر، ۱۳۷۷ش، علامه طبرسی پیشوایی مفسران، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
۹. تنکابنی، محمد، قصص العلماء، بی تا، شیراز، انتشارات علمیه اسلامی.
۱۰. جعفریان، رسول، ۱۳۹۵، تاریخ تشیع در ایران (از آغاز تا پایان قرن نهم هجری)، ج ۱، تهران، نشر علم.
۱۱. جرفادقانی، محمد، ۱۳۶۴، علمای بزرگ شیعه (از کلینی تا خمینی)، قم، معارف اسلامی.
۱۲. خوانساری، محمدباقر روضات الجنات، ۱۳۶۰ش، ج ۷، ترجمه محمدباقر ساعدی خراسانی، تهران، کتابفروشی اسلامی.
۱۳. خطیب بغدادی، احمدبن علی، بی تا، تاریخ بغداد اُمدینه السلام، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۱۴. خانجانی، قاسم، ۱۳۹۲ش، شیخ مفید و تاریخ نگاری، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۱۵. دوانی، علی، مفاخر اسلام، ۱۳۶۳ ش، ج ۳، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۱۶. روزنتال، فرانتس، ۱۳۶۵ ش، تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام، اسدالله آزاد، مشهد، آستان قدس رضوی.
۱۷. زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۸۹، تاریخ در ترازو، ج ۱۴، تهران، امیرکبیر.
۱۸. زریاب خویی، عباس، ۱۳۶۸ ش، بزم آورد، شصت مقاله درباره تاریخ، فرهنگ و فلسفه، تهران، سخن.
۱۹. سجادی، صادق و هادی عالمزاده، ۱۳۸۸، تاریخ نگاری در اسلام، ج ۱۰، تهران، سمت.
۲۰. شوشتری، نوالله بن شریف الدین مرعشی، ۱۳۵۴ ش، مجالس المومنین، به کوشش سید احمد عبدمنافی، تهران، کتابفروشی اسلامیه.
۲۱. صابری، حسین، ۱۳۹۳ ش، تاریخ فرق اسلامی، ج ۲، چ ۱۰، تهران، سمت.
۲۲. صفدی، خلیل بن ابیک، ۱۴۲۰ ق، الوافی بالوفیات، ج ۲۲، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۲۳. طوسی، جعفر بن محمد بن حسن، ۱۴۲۰ ق، الفهرست، به کوشش سید عبدالعزیز طباطبائی، قم، محقق طباطبائی.
۲۴. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر قرآن، ۱۳۹۰، ج ۱، ترجمه محمد بیستونی، قم، بیان جوان.
۲۵. طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، ۱۳۷۷ ش، مترجم عزیزالله عطاردی، ج ۲، تهران، انتشارات اسلامیه.
۲۶. عقیقی بخشایشی، عبدالرحمان، ۱۳۷۲، طبقات مفسران شیعه، قم، دفتر نشر نوید اسلام.
۲۷. قزوینی رازی، نصیرالدین ابوالرشید عبدالجلیل، ۱۳۵۸ ش، نقض، مصحح میرجلال الدین محدث، تهران، انجمن آثار ملی.
۲۸. کریمان، حسین، طبرسی و مجمع البیان، ۱۳۴۰، دو جلد، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۹. مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، ۱۳۹۵، ترجمه حسین صابری، چ ۳، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۰.، الفصول المختاره، ۱۳۷۷ ش، مصحح صادق حسن زاده و علی اکبر زمانی نژاد، ترجمه محمد بن حسین جمال خوانساری، قم، انتشارات مومنین.
۳۱.، الارشاد، ۱۳۹۰ ش، مصحح محمد باقر بهبودی، مترجم، محمد باقر ساعدی خراسانی، چ ۷، تهران، انتشارات اسلامیه.
۳۲.، المسائل العکبریه، ۱۴۱۳ ق، تحقیق علی اکبر الهی خراسانی، قم، الموتره العالمی لآلفیه الشیخ المفید.
۳۳.، امالی، ۱۴۱۳ ق، ترجمه استاد ولی، تهران، کنگره شیخ مفید.
۳۴.، الجمل و النصره لسید العتره فی حرب البصره، ۱۴۱۳ ق، تحقیق سید علی سید شریفی، قم، الموتره العالمی لآلفیه الشیخ المفید.
۳۵.، جمل، ۱۳۸۳ ش، مصحح و مترجم محمودی مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی.
۳۶.، تصحیح الاعتقاد، ۱۴۱۳ ق، تحقیق حسین درگاهی، قم، الموتره العالمی لآلفیه الشیخ المفید.
۳۷.، اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات، ۱۴۱۳ ق، تحقیق ابراهیم انصاری زنجانی، خویینی، قم، الموتره العالمی لآلفیه الشیخ المفید.
۳۸. متر، آدام، ۱۳۷۷ ش، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران، انتشارات امیرکبیر.

۳۹. مکدرموت، مارتین، ۱۳۸۴ش، اندیشه های کلامی شیخ مفید، ترجمه احمد آرام، ج ۲، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۴۰. مجلسی، محمدباقر، بی تا، بحارالانوار، ج ۱، بی جا، داراحیاء التراث العربی.
۴۱. مشکور، محمدجواد، بی تا، تاریخ شیعه و فرقه های اسلام تا قرن چهارم، تهران، انتشارات اشراقی.
۴۲. مدرسی طباطبایی، حسین، ۱۳۷۴، مکتب در فرآیند تکامل، ترجمه هاشم ایزدپناه، نیوجرسی، ایالات متحده، موسسه انتشاراتی داروین.
۴۳.، مقدمه ای بر فقه شیعه، ۱۳۶۸ش، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای آستان قدس.
۴۴. مدرسی تبریزی، محمدعلی، ۱۳۹۵، ریحانة الادب، ج ۳، زیر نظر علیرضا سبحانی، قم، موسسه امام صادق (ع).
۴۵. نجاشی، ابوالعباس احمدبن علی، ۱۴۱۸ق، رجال النجاشی، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، چ ۶، قم، موسسه النشر الاسلامی.
۴۶. یوسفی، محمد، ۱۳۸۹ش، دل سوختگان امام زمان (عج)، قم، خورشید هدایت.

مقالات:

۱. صباحی، مهدی، معرفی آثار موجود مرحوم شیخ مفید، مقالات فارسی کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، قم، شماره ۵۶، فروردین ۱۳۷۲.
۲. عاملی، جعفر مرتضی، «تاریخ و تاریخ نگاری»، مجموعه مقالات تاریخ اسلام، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۱ش.
۳. نیازی، حامد، «تحلیل روش شناختی و محتوایی تاریخ نگاری طبرسی با تکیه بر اعلام الوری با علام الهدی»، علمی ترویجی سخن تاریخ، س ۱۰، شماره ۲۴، ۱۳۹۵.

Comparison of Al-Arshad Sheikh Mofid's historiography with Alvari Tabarsi's declaration

¹Nazaninfateme Jelokhani

Master's degree in Shiite history from Khwarazmi University,
Tehran

Masoumeh Asadi

Master's degree in Shiite history from Kharazmi University,
Tehran

1-1-

Abstract - ۲-۱

In the early fifth century, Sheikh Mufid wrote the book Al-Arshad and Sheikh Tabarsi in the sixth century wrote the book "Declaration of Al-Wari" about the lives of the innocents (PBUH). They have used historical statements to prove theological propositions, Sheikh Mufid proved the Imamate of the Imams (AS) and specially proved the Imamate of Imam Ali (AS). Sheikh Tabarsi also studied historiography with the same perspective, with the difference that he examined the life of the Prophet (PBUH) and his biography separately. Tabarsi's goal is to bring Shiites and Sunnis closer to each other and resolve differences and neutralize enmity between them, so the theory of the approximation of religions has been a suitable model to achieve its goals. Sheikh Tabarsi used a hybrid method for historiography, and Sheikh Mofid dealt with the causes of historical events with an analytical view in the form of his theological view. This research is descriptive and analytical in nature and has been compiled by library method. Considering that the historical perspective of Sheikh Mufid and Tabarsi has not been discussed so far in al-Arshad and the announcement of al-Wari, this research can provide new information.

Keywords: Sheikh Mofid, Sheikh Tabarsi, Al-Arshad, Al-Awari declaration, Shia historiography - ۱-۳

¹ Master's degree in Shiite history from Khwarazmi University, Tehran .